

## آموختنی‌ها

۱ تقویت روحیه‌ی وطن‌دوستی و دفاع از میهن

۲ آشنایی با حماسه دفاع مقدس

۳ تقویت ساخت کلمات مرکب با «ناپذیر»



## جعبه‌ی کلمات

### کلمات مترادف

اعتقاد: باور

متجاوز: ستمگر

مسئولیت: برعهده داشتن وظیفه

تسخیرناپذیر: مکانی که به آسانی نتوان آن را به دست آورد

در: حصار

اشغال: تصرف کردن

نفوذ: عبور کردن - وارد شدن

مانع: سد

درنگ: صبر

مهلکه: خطر - میدان جنگ

ترجیح: اولویت - برتری دادن

پیگ: پیغام رسان

محور: مرکز

نظاره می‌کند: نگاه می‌کند

مکانی که به آسانی نتوان آن را توصیف کرد

وصف‌ناپذیر: ...

اسقوط: افتادن

عملیات: فعالیت‌ها، کارها

تکبیر: الله اکبر گفتن

محتاج: نیازمند

مقابله: روبرویی، مواجهه

بی وقفه: بی‌درنگ، پشت سرهم

هم رزم: هم‌سنگر، هم‌نبرد

مقاومت: ایستادگی

سقا: کسی که به تشنگان آب می‌دهد

مظلوم: ستم‌دیده

گردان: یک واحد نظامی که از چهار

گروهان تشکیل شده است.

### کلمات متضاد

خنده = گریه

سنگین = سبک

### کلمات هم خانواده

مانع، منع، ممانعت

نظام، ناظم، نظم

وصف، توصیف

آزادی = اسارت

سخت = آسان

اعتقاد، معتقد

احتیاج، محتاج

شکر، تشکر، شاکر

فرار = قرار

پاک = ناپاک

تسلیم، اسلام، مسلم

مظلوم، ظالم، ظلم





دشمن برای نیروهایش دژی تسخیرناپذیر ساخته بود تا برای همیشه خرمشهر را در اشغال داشته باشد. اولین گروه رزمندگان به دشمن حمله کردند. آتشبارهای عراقی یک‌دم، خاموش نمی‌شدند. شور و شوقی وصف‌ناپذیر وجود حسین را در بر گرفته بود. او و هم‌زمانش در نقطه‌ای قرار گرفته بودند که مردم ایران هر لحظه برای آزادی آن دعا می‌کردند. خرمشهر بوی جهان آرا و دوستان شهیدش را می‌داد.

او برای نفوذ به دژی که عراقی‌ها آن را نفوذناپذیر می‌دانستند یارانش را آماده کرد. دشمن چند گردان تازه‌نفس خود را برای مقابله، راهی میدان کرد. فریاد حسین از هر طرف به گوش می‌رسید: «دست خدا با ماست، بجنگید دلاوران» و نیروها، خستگی‌ناپذیر و با شجاعت جلو می‌رفتند.

دژ دشمن شکسته شد. فریاد تکبیر نیروهای ایرانی، دشمن را به وحشت انداخت.

عراقی‌ها پا به فرار گذاشتند. شلمچه برایشان گورستانی شده بود. جای شهیدانی همچون «خرازی» بنام محمدی، جهان آرا و ... که دوست داشتند آزادی خرمشهر را ببینند خالی بود.

همگی خوشحال و امیدوار بودند چون می‌دانستند که خداوند اراده کرده است تا خرمشهر را آزاد کند.

دانش آموز عزیز این درس هم بیانگر رشادت‌ها، شهادت‌ها، ایثار و فداکاری بزرگ مردانی است که باعث آرامش و آسایش امروز ما هستند. آن‌ها رفتند و شهید شدند تا ما امروز بتوانیم راحت زندگی و تحصیل کنیم و در کنار خانواده‌های خود باشیم.

در زمان جنگ، هر جوان ایرانی سلاحش غیرت و ایمان و اندیشه بود و بدون هیچ چشم داشت و خواسته‌ای، فقط و فقط برای حمایت مردم کشورش به جبهه می‌رفت.

## بخوان و بدان



ساخت واژه‌ی جدید با «ناپذیر»

برنا امروز سرگرم خواندن کتابی بود که پدر بزرگ به او هدیه داده بود. او هنگام خواندن، چشمش به کلمه‌هایی افتاد که همگی با واژه‌ی «ناپذیر» ترکیب شده بودند.

مثال:

بچه گنجشک با تلاش خستگی‌ناپذیر خود به آنچه می‌خواست رسید.

خوشحالی و صف‌ناپذیرش حیوانات جنگل را خوشحال کرد.

اما او نمی‌دانست که رفتن به قلّه‌ی کوه امکان‌پذیر است.

در ذهن پرسشگر برنا سؤال پیش آمد. برای همین به سراغ مادرش رفت و در مورد این کلمه‌ها از او پرسید.



## علوی

**مادر گفت:** اضافه کردن «ناپذیر» به معنی عملی نشدن، معنای جدیدی به کلمه می‌دهد. مثلاً:

وصف ناپذیر ← یعنی چیزی که نمی‌توان آن را توصیف کرد.

امکان ناپذیر ← یعنی چیزی که امکان ندارد اتفاق بیفتد.

خستگی ناپذیر ← یعنی کسانی که به آسانی خسته نمی‌شوند.

برنا از اینکه کلمات بیشتری یاد گرفته بود بسیار خوشحال شد و رفت تا ادامه‌ی داستان را بخواند.



همان طور که می دانید در زبان فارسی تعدادی از حروف صدای یکسانی دارند ولی نوشتار آن ها متفاوت است. با دقت به این موضوع می توانی املاي خود را تقویت نمایی.

دانش آموز باهوشم با توجه به متن درس به سوالات پاسخ بده.

الف: با استفاده از حروف (س - ص) حروف جا افتاده از کلمه های زیر را بنویس.

س... تولیت	س قوط	ص... ق...
ص... ف ناپذیر	س... اس	س... خیر ناپذیر
س... خت	ص... ی	س... خگینی

ب: در جمله های زیر کلمه صحیح را در جای خالی قرار بده.

- ۱) متجاوزان خرمشهر را به ..... در آورده بودند. (اشقال - اشغال)
- ۲) ..... پیش رو، خیلی مهم و حساس بود. (عملیات - املیات)
- ۳) نگران نباش مؤمن! ..... باش. (مطمئن - متمئن)
- ۴) حسین ایستاده بود و با نگاهی خیره دور دست را ..... می کرد. (نظاره - نظاره)
- ۵) او همیشه ..... را ناتمام می گذاشت تا بچه ها منتظر دیداری بعدی و شنیدن بقیه آن باشند. (غصه هایش - فسه هایش)
- ۶) بالگردهای دشمن در تلاش بودند فرماندهان ..... را از میدان نبرد نجات دهند. (نظامی - نظامی)
- ۷) وقتی حسین، شهر ..... را دید به یاد شهدایی افتاد که دوست داشتند آزادی خرمشهر را ببینند. (مظلومی - مظلومی)
- ۸) بقیه ی دشمنان فرار را بر قرار ..... . (ترجیه دادند - ترجیح دادند)